



دانشگاه کردستان  
دانشکده ادبیات

موضوع:

## سیر تطور رثا از عصر جاهلی تا اموی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته  
زبان و ادبیات عرب

نویسنده:

زینب افلاکی بدرلو

استاد راهنما:

دکتر احمد نهیرات



دانشگاه کردستان  
دانشکده ادبیات  
گروه زبان و ادبیات عرب

عنوان :

سیر تطور رثا از عصر جاهلی تا اموی

پژوهشگر :

زینب افلاکی بدرلو

در تاریخ / / ۱۳ توسط کمیته تخصصی و هیات داوران زیر مورد بررسی قرار گرفت و با نمره .....  
و درجه ..... به تصویب رسید.

امضاء

مرتبه علمی

نام خانوادگی

هیات داوران

۱- استاد راهنما دکتر استاد

۲- استاد مشاور دکتر استادیار

۳- استاد داور خارجی دکتر دانشیار

۴- استاد داور داخلی دکتر استاد

مهر و امضاء گروه مهر و امضاء معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده

## \*\*\* تعهد نامه \*\*\*

اینجانب زینب افلاکی بدرلو دانشجوی کارشناسی ارشد / رشته زبان و ادبیات عرب دانشگاه کردستان ، دانشکده ادبیات گروه زبان و ادبیات عرب تعهد می نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از جایی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید بوده است .

با تقدیم احترام  
زینب افلاکی بدرلو  
۱۳۸۸/۶/۱۸

## چکیده:

رثا عالی ترین نمونه شعر عاطفی، صادق ترین نوع شعر، به عنوان یکی از اغراض مستقل شعری از گذشته های دور نقشی پر رنگ بر صفحه شعر شاعران داشته است.

رثاء ره آورد تجربه عاطفی شاعر و ترجمان شرایط اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی جامعه اوست و شاعر در آن، سوگ و سوزهای درونی خویش را در غم فراق ابدی عزیزش به نمایش می گذارد. رثا به سه دسته «ندب، تأیین و عزا» تقسیم می شود و از اغراض پر کاربرد شاعر جاهلی و آیینة اعتقاد و نگرش وی نسبت به مسأله مرگ است.

مرثیه پاره ای از پیکره ادبیات در صدر اسلام نیز به شمار می آید. اسلام با ظهور خود باورها و اندیشه های تازه ای را به میان آورد که بازتاب آن را می توان به وضوح در عرصه ادب و شعر و به خصوص مرثیه مشاهده کرد. این باورها و اندیشه های هدایتگر و نوین نه تنها در درونمایه شعری بلکه در شکل آن نیز تأثیر بسزایی گذاشته است، و به پیدایش معانی جدید نزد شاعران مرثیه سرا کمک کرده است تا بتوانند اشعاری پر محتوا و چه بسا متفاوت با مجموعه آثار گذشته ادبی خویش بسرایند. و نیز ظهور اسلام باعث شد که مفاهیم رثا صبغه الهی به خود بگیرد و بسیاری از مضامین عصر جاهلی تغییر پیدا کند.

## واژه های کلیدی :

شعر جاهلی، شعر صدر اسلام، رثاء، خنساء، حسان

## فهرست مطالب

| عنوان  | صفحه |
|--|------|
| <b>فصل اول : کلیات</b> .....                     | ۲    |
| ۱- ۱- مقدمه.....                                 | ۲    |
| ۱- ۲- بیان مسأله.....                            | ۳    |
| ۱- ۳- سابقه تحقیق.....                           | ۳    |
| ۱- ۴- ضرورت و اهمیت تحقیق.....                   | ۴    |
| ۱- ۵- هدف.....                                   | ۵    |
| ۱- ۶- روش کار و مراحل انجام تحقیق.....           | ۵    |
| <b>فصل دوم : رثا در ادب عربی</b> .....           | ۸    |
| ۲- ۱- رثا در لغت و اصطلاح.....                   | ۷    |
| ۲- ۲- رثا در شعر جاهلی.....                      | ۱۰   |
| ۲- ۲- ۱- مفهوم مرگ در شعر جاهلی.....             | ۱۴   |
| ۲- ۲- ۲- مضامین رثاء در شعر جاهلی.....           | ۲۰   |
| <u>الف</u> ) شجاعت و کرم.....                    | ۲۴   |
| ب) وفا.....                                      | ۲۵   |
| ج) شرف.....                                      | ۲۷   |
| ۲- ۲- ۳- خنساء نمونه بارز مرثی سرائین جاهلی..... | ۲۳   |
| ۲- ۳- رثاء در شعر اسلامی.....                    | ۲۷   |
| ۲- ۳- ۱- مفهوم مرگ در شعر اسلامی.....            | ۳۰   |
| ۲- ۳- ۲- مضامین رثاء در شعر اسلامی.....          | ۳۰   |

الف) جهاد مقدس به جای جنگ و خونریزی ..... ۳۱

ب) حکمت و تأمل به جای شکوه و ناامیدی ..... ۳۲

۲-۳-۳ - حسان نمونه بارز مرثیه سرایان اسلامی ..... ۳۶

**فصل سوم: بررسی انواع رثا ..... ۴۱**

۱-۳-۱ ندب ..... ۳۸

۱-۳-۱ مرثیه های خاص و انواع آن ..... ۳۹

الف) ندب برادر ..... ۳۹

ب) ندب پسر، دختر ..... ۴۱

ج) ندب همسر ..... ۴۳

د) ندب پدر ..... ۴۵

ه) ندب نفس ..... ۴۷

۱-۳-۲ مرثیه های عام و انواع آن ..... ۴۹

الف) رثای بطمبر (ص) ..... ۵۰

ب) رثاء خلفاء و حاکمان ..... ۵۴

۲-۳-۲ تابعی ..... ۵۶

۱-۲-۳ انگیزه اصحابی تابعی ..... ۵۶

۲-۲-۳ تفاوت مدح و تائیدی ..... ۶۱

۳-۳ عزاء ..... ۶۲

۱-۳-۳ عزا در عصر جاهلی و اسلامی ..... ۶۳

۲-۳-۳ تبیین مرگ در تعزیت ..... ۶۶

فصل چهارم : مقایسه سبک مرثیه های دوره جاهلی و اسلامی..... ۷۲

مقایسه سبک و اسلوب مرثیه عصر جاهلی و اسلامی..... ۶۹

۱-۴ شکل شناسی مرثیه..... ۶۹

۲-۴ مطلع و مقدمه مرثیه..... ۷۰

۱-۲-۴ آغاز با غزل..... ۷۱

۲-۲-۴ مطلع و مقدمه حکمت آمیز..... ۷۶

۳-۲-۴ مطلع و مقدمه دعایی با عبارت «لا یبعد»..... ۷۷

۴-۲-۴ مقدمه حزن آلود..... ۷۸

۵-۲-۴ دعوت به انتقام و خونریزی..... ۸۱

۶-۲-۴ نوآوریهای مرثیه سرانجام اسلامی در مقدمه..... ۸۳

۳-۴ خاتمه مرثیه..... ۸۴

۱-۳-۴ دعوت به صبر و آرامش..... ۸۵

۲-۳-۴ ذکر سرنوشت مرثیه..... ۸۶

۳-۳-۴ دعا..... ۸۸

۴-۴ زبان مرثیه..... ۹۰

۵-۴ مرثیه و موسیقی شعری..... ۹۳

۱-۵-۴ وزن..... ۹۴

۲-۵-۴ قافیه..... ۹۵

نتیجه..... ۹۶

فهرست مراجع و مأخذ..... ۹۹

چکیده انگلیسی.....

## فصل اول

### کلیات



انسان همواره در گذر حادثه های تلخ و شیرین و رویدادهای شکننده و سازنده بوده است جنگ و ستیز و رودررویی و به دنبال آن مردن و کشته شدن را در سرنوشت هر جامعه و پیشانی هر تمدنی ، فراوان می توان یافت. تردیدی نیست که در چنین شرایطی که انسان ناگزیر به زندگی کردن در آن است، همواره سوگ سروده هایی در تلخکامی های از دست دادن عزیزان و اظهار دریغ و زاری بر فقدان آنان را می توان در دفتر شاعران هر دوره مشاهده نمود.

رثا به عنوان یکی از اغراض مستقل شعری، سروده ای است که از قلب آتشین و زخم خورده شاعر سرچشمه می گیرد و نغمات بیت بیت آن بسان قطره هایی پیاپی بر پهنه شعر نقش می بندد و گونه ای است که از زمان سروده شدن اولین بیتهای شعری ، جایگاه ویژه ای را در ادبیات هر زبانی به خود اختصاص داده است.

در این شکل خاص از شعر چه در زبان عربی و چه در فارسی و دیگر زبانها، بیشتر عنصر عاطفه، تخیل و احساس بر جنبه عقل و منطق غلبه پیدا می کند و از عاطفه ای صادق و احساسی راستین سرچشمه می گیرد. روح این غرض شعری که مدام با مصیبت مرگ جان می گیرد ، همواره در نهاد انسان احساس غم و اندوه را فعال می کند و اشکهای خشکیده را روان می سازد و با رطوبت آن اشکها، ریشه خود را نمناک و با نشاط نگه می دارد.

تحقیق حاضر نمودار تألم و تأثر محنت زدگان سوگوار بر فقدان عزیزانی از دست رفته است و به همین جهت پژوهش حاضر در حقیقت بررسی واژه و کلمه نیست، بلکه در این رساله که به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد تدوین شده است، بر آن شده ایم تا با مجمع نظر قرار دادن مرثیه های شاعران مختلف دو دوره جاهلی و اسلامی به بررسی ابعاد رثا پردازیم.

## ۱ - ۲ - بیان مسأله

در ادب عربی، شعر، چنان جایگاه و اعتباری دارد که اولین مصداق متبادر به ذهن از ادب عربی، شعر عرب است. و در میان انواع شعر، «رثاء» صادق ترین نوع شعر است، (مارون، عبود، ۱۹۶۰ م، ص ۸۱)

که در بررسی رثا به ویژه در دو عصر جاهلی و اسلامی - که موضوع این رساله است - مسائلی با شرح زیر مطرح است:

- انگیزش پیدایش رثا در دیوان شاعران در دوره جاهلی و اسلامی چیست؟
- نحوه و میزان تأثیر اسلام در پیدایش معانی جدید در مرثیه چگونه بوده است؟
- رثا به عنوان یکی از اغراض مستقل شعری در عصر جاهلی و اسلامی چه تفاوتی دارد؟

## ۱ - ۳ - سابقه تحقیق

بررسی کتب تاریخی، ادبی، نقدی و نیز کتابهایی که در باب مرثی تألیف شده نشان می دهد که نقد و تحلیل مرثی در دو عصر جاهلی و اسلامی بسیار کم است و عمده این تألیفات به قرار زیر است:

المراثی و التعازی، تألیف ابوالعباس محمد بن یزید مبرد (۲۱۰ - ۲۸۶ هـ). محتوای کتاب مجموعه ای از عیون مرثی جاهلی، اسلامی و عباسی قبل یا معاصر مؤلف کتاب (مبرد) و مواعظ و خطب و اقوال مأثور و وصایا است و انگیزه تألیف آن، وفات دوست مبرد، اسماعیل بن اسحاق ازدی، قاضی القضاة بغداد می باشد.

المراثی، مرث و اشعار فی غیر ذلک، تألیف محمد بن عباس یزیدی متوفای ( ۳۱۰ هـ). محمد بن عباس یزیدی، کتابش را با مرثی طولانی شعر قدیم آغاز نموده و برخی از واژگان آن را شرح داده است و برخی از اخبار تاریخی دوران جاهلی و بعد از اسلام را که بیشتر درباره اختلاف بر سر مسأله خلافت در ایام عثمان بن عفان و پس از واقعه جمل بوده، آورده است.

الرثاء. تألیف دکتر شوقی ضیف، در این کتاب پیرامون سابقه رثاء در ادب و انواع آن همراه با ذکر شواهد بحث شده است.

الرثاء فی الشعر العربی، تألیف دکتر محمود حسن ابوناجی در این کتاب انواع رثا و نمونه هایی از مرثی شاعران از دوران جاهلی تا دوره معاصر آورده شده است.

الرثاء فی الشعر الجاهلی و صدر الاسلام، تألیف بشری محمد علی الخطیب.

المرثیه الشعریه فی عصر صدر الاسلام، تألیف مقبول علی بشیر النعمه.

رثا در ادب شیعه تا پایان قرن دوم هجری، پایان نامه دکتر، عباس اقبالی و به راهنمایی دکتر صادق آئینه وند در سال ۱۳۷۳ هـ. ش تألیف شده است.

البته گذشته از کتابهایی که نام برده شد، در بسیاری از منابع تاریخی مانند الأغانی تألیف ابوالفرج

اصفهانی، العمده ابن رشیق القیروانی و بسیاری از مراجع تاریخی دیگر نمونه هایی از مرثی شاعران وجود دارد.

#### ۱-۴- ضرورت و اهمیت تحقیق

اهمیت موضوع و انگیزه انتخاب آن بدین جهت است که رثا در واقع بیانگر فکر و عقیده و اندیشه شاعر و نیز چونان هنری است که از وجدان آتشین وی نشأت می گیرد. دلیل دیگر این که رثا در حقیقت بهترین آینه ایست که می توان سیمای واقعی تأثیر اسلام بر فکر، بینش، ادب و عاطفه انسان جاهلی را در آن مشاهده نمود؛ می دانیم که ظهور اسلام باعث شکل گیری جریان نیرومند فرهنگی در حوزه شعر و مخصوصاً مرثیه شده، به گونه ای که تجربه های تازه و بدیع آن در مرثیه های آغازین دوره اسلامی آشکار است. بنابراین شناخت دیدگاه شاعران عصر جاهلی و اسلامی در مورد مرثیه و نیز میزان و نحوه تأثیر اسلام بر انسان جاهلی ضرورتی انکارناپذیر است. علاوه بر آن، جمع آوری و نقد مرثی در دو عصر جاهلی و اسلامی، در یک مجموعه به صورت مختصر و مفید که پژوهشگران در زمینه مرثی بتوانند با مراجعه به آن، ابعاد بیشتری از مرثی را دریابند، انگیزه دیگری برای انجام این تحقیق بود.

## ۱-۵- هدف

هدف کلی: بررسی دیدگاه شاعران جاهلی و صدر اسلام نسبت به مرگ و نحوه پردازش آنها به مفهوم رثا در شعر.

هدف جزئی: شناخت تأثیر اسلام بر دیدگاه شاعران در این مفهوم و تفاوت‌های حاصل در مطلع و خاتمه مرثیه‌های دوره‌های جاهلیت و اسلام.

## ۱-۶- روش کار و مراحل انجام تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و یادداشت از متون و آثار ادبی بویژه مراثی دوره‌های جاهلی و اسلامی تدوین شده است و به چهار فصل تقسیم شده است.

فصل اول: کلیات و مقدمه را شامل می‌شود و ساختار اصلی پایان‌نامه است.

فصل دوم: سابقه و ویژگی‌های رثا در ادب عرب، در دو عصر جاهلی و اسلامی و نیز مضامین رثا در این دو عصر مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل سوم: انواع رثا با ذکر نمونه‌هایی از هر کدام مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل چهارم: سبک مرثیه‌های دو دوره جاهلی و اسلامی بررسی شده است و به نتیجه‌گیری از

مباحث پرداخته شده که به عنوان عصاره پژوهش از دل یافته‌ها برخاسته است.

اذعان دارم آنچه انجام گرفته است با استعانت از خداوند متعال و لطف بیکران حضرت باریتعالی و

مساعادت و راهنمایی استادان گرانقدری میسر شده که همواره از راهنمایی‌های آنان برخوردار بوده و

هستم. از این رو وظیفه خود می‌دانم پس از سپاس به درگاه خداوند، از راهنمایی‌های بسیار ارزنده و

دقت نظر استاد متعهد جناب آقای دکتر احمد نهیرات و ارشادات استاد مشاور جناب آقای دکتر حسن

سرباز و نیز از مدیر محترم گروه ادبیات عرب جناب آقای جمیل جعفری و از عنایت جناب آقای دکتر

محسن پیشوایی تقدیر و تشکر نموده، بقای عمر با برکت و عزت را برای یکایک آنان طلب می‌نمایم.

فصل دوم  
رثا در ادب عربی

## ۲ - ۱ - رثا در لغت و اصطلاح

اهل لغت برای این واژه (رثاء) سه قالب اصلی را ذکر نموده اند که عبارتند از:

۱- فعل معتل از رثی - یَرثی ۲- مهموز از رثاً - یَرثاً ۳- مضاعف از رث - یَرثُ

ابن فارس می گوید: «جمع شدن راء و ثاء و حرف معتل در سومین حرف آن دلالت بر نرمی و

مهربانی دارد. وقتی گفته می شود بر فلان کس مرثیه سرایی کردم یعنی بر او مهربانی نمودم. (ابن فارس،

۱۹۷۰م، ص ۴۸۸).

رثا معنی دیگری را نیز در بر می گیرد و آن گریه و شیون و زاری کردن و نوحه خوانی می باشد.

(ابن منظور، ۱۳۰۰ هـ ج ۱، ص ۱۱۲۳).

اما بر طبق نظر و رای ابن منظور و جوهری کلمه رثاء از فعل معتل (رثی) گرفته شده است و نیز بر

طبق نظر ابن منظور (رثی) با تخفیف حرف ثاء به معنی گریه کردن بر مرده، و (رثی) با تشدید حرف ثاء

به معنی مدح و ستایش او پس از مرگ می باشد (همان، ص ۳۰۰). رثاء بر وزن فعال از کلمه «رثی» به

معنای گریستن و مویه کردن بر شخص از دست رفته و بیان محاسن اوست و به صورت شعر ادا می شود.

در لغت «مرثیه» و «رثاء» با مرده و گریه کردن ارتباط دارد و آن دو در اصل مصدر از فعل «رثی» می

باشند و «رثی» در اصل لغوی بر از درد نالیدن و مهربانی کردن دلالت می کند. (علی بشیر النعمه، ۱۹۹۷م،

ص ۱۵).

در مورد معنای اصطلاحی رثا برخی آن را به معنای «گریستن بر مرده و بر شمردن نیکی های او با

زبان شعر و نثر» می دانند. (بشری محمد علی الخطیب ب.ت، ص ۲۰)، اما در این تعریف اگر نیک تامل

شود به نظر می رسد که تعریف بسیار دقیق و جامعی نباشد، چرا که این تعریف آن دسته رثاهایی که

برای تسلی خاطر بازماندگان گفته می شود و مالا مال از حکمت و دعوت به صبر است و آن دسته از

مرثیه هایی که به خاطر چشمداشت یا ترس سروده شده اند و گریه و شیون در آنها هیچ جایگاهی ندارد،

را شامل نمی شود.

شاید شایسته تر این باشد که در تعریف گفته شود «رثا» عبارتست از گریستن بر میت، ابراز اندوه بر فقدان عزیزی از دست رفته، اظهار تأسف از مرگ او، تصویر خسارتی که حاصل فقدان اوست، نکوداشت و بزرگداشت انسان مرده و شعر و مدیحه سرودن در فراق از دست رفته و بر شمردن فضایل اخلاقی و صفات نفسانی با هر انگیزه و غرضی و سرانجام بیان اینکه مرگ امری است محتوم و هیچ کس را از آن گریزی نیست. اما این نکته را نباید فراموش کرد که منظور از مرثیه در این مجال فقط مرثیه های شعری است نه آن مرثیه های آهنگین که قبل از اسلام بر نوحه زنان اطلاق می شد. چون عرب قبل از اسلام نوحه زنان را مرثیه اطلاق می کردند. زنان در عزا و رثای مقتولان با مردان شریک بودند و پیوسته شیون و زاری می نمودند تا قبیله انتقام کشتگان را بگیرد. چنین می نماید که رسمی شبیه آنچه در مصر «تعدید» [بر شمردن خوبیهای شخص متوفی] نامند، داشته اند: زنی نوحه می خواند و زنان دیگر با او دم می گرفتند، چنانکه راویان گفته اند خنساء در بازار عکاظ بر دو برادرش صخر و معاویه نوحه سرایی می کرد، و آورده اند هند زن ابوسفیان در عزای پدرش عتبه [که به دست مسلمانان در جنگ بدر کشته شد] از خنساء تقلید نمود (ابوالفرج الإصفهانی، ۱۹۵۹ م، ج ۴، ص ۲۱۰).

این خبر دلالت دارد که زنان بر مردگان خویش نه فقط یک یا چند روز بلکه تا چند سال عزاداری می کردند و موی سر می تراشیدند و گریبان می دریدند و ظاهراً این اعمال ریشه ای جاهلی دارد ولی اسلام از آن نهی فرموده است و در «صحیحین» روایاتی دال بر این مدعاست. رسول گرامی (ص) فرمود: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ ضَرَبَ الْخُدُودَ وَ شَقَّ الْجُيُوبَ» (البخاری، ۱۳۰۴، ص ۳۲۲) و نیز فرمود «لَيْسَ مِنَّا مَنْ صَلَّقَ أَوْ حَلَّقَ أَوْ حَرَّقَ» (القشیری، ۱۳۰۴ ق، ص ۷۰) چون اینگونه مرثیه ها (نوحه خوانی) مرثیه هایی هستند که نمی توان آن را شعر محسوب کرد، بلکه آن عبارت از سروده هایی است که با فریاد و زاری و بی تابی بر طبق آهنگهای مشخص سروده می شود که غرض از آن اظهار مهربانی و و همدردی و گریه بر مرده

می باشد اما مرثیه های شعری نتیجه تامل و اندیشه ای است که ممکن نیست با نوحه سرایی ساده جایگزین شود ( علی بشیر نعیمه، ۱۹۹۷، ص ۱۷).

فقهای امامیه میان دو گونه رثا به معنای عام آن که شامل گریه و نوحه سرایی می گردد تفاوت قائل شده اند بدین معنی که نوحه سرایی را به دو قسم تقسیم کرده اند:

۱ نوحه سرایی و رثاء حق

۲ نوحه سرایی و رثاء باطل

فقهای امامیه بر این عقیده اند که رثا و نوحه سرایی قسم اول نه تنها جائز و مشروع است بلکه مستحب بوده و بر آن در روایات معصومین (ع) تأکید فراوانی شده است، علاوه بر این در برخی موارد نیز که حفظ کیان مذهب و دین و نشر آن و رسوا کردن دشمنان دین و اهل بیت (ع) و قاتلین خاندان پیامبر (ص) به برگزاری مجالس رثا و نوحه و تعزیه است، واجب می گردد.

بنابر فتوای فقهای امامیه محدودیت جواز رثا و نوحه سرایی و گریه بر مرده تا آنجایی است که صاحبان عزا را با انحراف از راه حق و روی بر تافتن از قضاء و قدر و تقدیرات الهی و عجز و شکوه کردن و ابراز نارضایتی از خداوند نکشاند. آنچه که در روایات بر آن تأکید شده این است که گریه و رثا بر مرده جلوه هایی از حس ترحم و شفقت و نوع دوستی و انسانیت انسان است که نسبت به هم نوع و یا دوست و یا اقوام خود ابراز می دارد، و این گریه و تأثر و تألم تنها ناشی از قلبهای رحیم و نوع دوست است و انسانهای سنگدل و بی عاطفه از نعمت رثا و گریه و تأثر و تألم به دوراند.

با توجه به این جهات است که در روایات تأکید فراوانی بر گریه کردن و رثا نمودن مردم در فقد عزیزان خود شده است که این گریه و رثا نه تنها موجب تسکین و آرامش دل آنها می شود بلکه آنها را به درگاه خداوند توجه داده که همواره یاد مرگ را از خاطره خود دور نکنند. البته این جواز رثاء و نیکویی تا آنجا است که شخص را به بی تابی و بر زبان آوردن سخنانی که دلالت بر عدم رضایت او از تقدیرات الهی دارد وادار نکند. (محمد باقر مجلسی، ج ۴۵، ص ۲۳۹ تا ۲۴۷).



در روایات آمده است که پیامبر گرامی (ص) در مرگ ابراهیم (ع) فرزند خود فرمودند: (یا ابراهیم اَنْ بَكَ لِمَحْزٍ وَ نَوْنٍ وَ لَكِنْ لَانْقُولُ مَا يَسْخُطُ الرَّبُّ) ای ابراهیم ما در مرگ تو اندوهگین هستیم؛ لیکن سخنی که سبب ناخشنودی پروردگار شود بر زبان نمی رانیم. (ابن عبدربه الاندلسی، ۱۹۹۰، م، ص ۱۹۰). اما قسم دوم یعنی رثا و نوحه سرایی باطل، رثا برای مردمان ظالم و گناهکاری است که زندگی خود را در آلودگی و گناه و ظلم و ستم گذرانده و اینک پس از مرگش نوحه سرا با دادن نسبت‌های ناروا و دروغ و نیکو جلوه دادن او به رثاء وی می پردازد، این نوع نوحه سرایی و رثا به فتوای فقهای امامیه باطل و حرام می باشد. (محمد باقر مجلسی، ج ۴۵، ص ۲۵۰).

## ۲-۲- رثا در شعر جاهلی

داوری قطعی درباره تاریخ پیدایش رثا و زمان بکارگیری آن به عنوان یکی از فنون رایج شعری با ویژگی‌های واژگانی و مضمونی خود، دشوار است به طوریکه اگر بخواهیم در مورد زمان پیدایش آن، تاریخی دقیق ذکر نمائیم، شاید مجبور باشیم به افسانه‌ها و اساطیر اعتقاد پیدا کنیم. (بروکلمان، ج ۱، ص ۴۴).

برخی معتقدند این شکل پیشرفته رثا که ما آن را نزد شاعران جاهلی مشاهده می کنیم، در اصل شکل دگرگون شده همان دعاها و تعویذاتی است که ابتدا زنان و مردان برای آرامش مرده بر سر قبر او می خواندند تا در گور آرام بگیرد و به مرور زمان صرفاً به صورت بیان اندوه عمیق از مصیبت وارده درآمده و آن تعویذات، به ناله و شیونگری و صدا به گریه برداشتن زنانه تبدیل شده است و این دعا خوانی با تراشیدن سر، زدن دست و شلاق بر صورت و ذکر نام مرده به هنگام آواز خوانی توسط زنان - که «نَصَب» نامیده می شد - همراه گردید.

این همه بدان مفهوم است که در جاهلیت شعر با غناء و موسیقی همراه؛ و به معنای کامل کلمه شعری بوده است غنای. جاهلیت ساده هم نبوده بلکه انواعی از آن را می شناخته اند شاید همخوانی آهنگ نصب با مرثیه تأییدی باشد بر آنکه نصب در اصل آوازخوانی دینی (بر انصاب) بوده که در مراسم

اموات از آن استفاده می شد. بی تردید شکل قدیمی این قسم کتیبه هایی است که در نقاط مختلف جزیره العرب یافت شده است، در این نقوش اسم و القاب مرده و کارهای بزرگ و قابل ملاحظه ای را که کرده ذکر نموده اند تا یادگاری ماندگار از نامش باشد. همین صورت ساده، به رثا خوانی دامنه دار و بر شمردن یک یک خوبیهای شخص در گذشته و گریستن بر آن تحول یافت و رسم جاهلیان گردید، که بر این جمله، نوعی تعزیت و تسلیت و دعوت به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات افزوده می شد؛ زیرا مرگ فراگیر همگان است و از فرمان تقدیر گریزی نیست. (شوقی، تاریخ الأدب العربی، العصر الجاهلی، ۱۹۶۰ م، صص، ۱۹۳ - ۲۱۵).

سهم عمده شیون خوانی و گریستن بر مردگان بر عهده زنان بوده که گریبان چاک کرده بر سر و صورت زنان و سینه کوبان و گریان و نالان سوگواری می کردند. بهترین مرثیه سرای زن عرب، خنساء است که در سوگ برادر مقتولش معاویه ضجه و شیون برآورد و چون برادر دیگرش صخر نیز در جنگی به هلاکت رسید، دلریش تر به خروش آمد. (المرزبانی، ۱۹۹۵ م، ص ۹۰) و چنین سرود:

قَدَىٰ بَعِينِكُ أُمُّ بِالْعَيْنِ عَوَارُ  
 أُمُّ ذَرَفَتْ أَنْ خَلَتْ مِنْ أَهْلِهَا الدَّارُ

كأن عيني لذكراه اذا فطرت فيضُ يسيلُ على الخدين مدرار

فالعين تبكي على صخر و حق لها و دونه من جديد الأرض أستار

تبکی خناس و ماتنفک ماعمرت لها عليه رنينُ وهي مقتارُ

بكاء والهة ضلت ألفيتها لها حنينان : إصغارُ و اكبارُ

ترعی اذا نسیت حتی اذا ذکرت فانما هی اقبالُ و ادبار

و ان صخرًا لتأتم الهداءُ به كأنه علمُ فی رأسه نار

(دیوان الخنساء، ۱۹۸۳ م، ص ۱۱)

( در دیده خاشاکی فرو رفته یا واژگونه می بیند؟ یا چون دیار را از یار تهی می یابد لبریز از اشک

است. هرگاه به خاطر می آیند، چشمانم بر رخساره گویی ابری تند باران زاست. چشم اشکبار است و

باید باشد، بر صخر که در پرده خاک قرار دادند. خنساء می‌گوید، این بیچاره تا زنده است به داغ برادر دست از شیون بر نخواهد داشت. هوشباخته‌ای که همدمش را از دست داده، دو جور گریه می‌کند: آهسته و با صدا. تا یادش نیست خیره می‌نگرد، لیکن آه از وقتی که به یاد می‌آورد! امواج اندوه پس می‌روند و پیش می‌آیند حقا که صخر پیشوای رهجویان بود چون آتشی بر بلندای تپه (شوقی، العصر الجاهلی، ۱۹۶۰م، ص ۲۲۹).

مشارکت زنان با مردان در اموری که مربوط به سوگواری در ایام حزن و اندوه می‌شود امری طبیعی است و همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم زن در اظهار غم و تعبیر از آن چابک‌تر از مرد است و این اقتضای فطرت و مقتضای طبیعت اوست و در نتیجه از دست دادن یکی از عزیزان یا همسر و یا فرزند و یا برادر او به منزله از دست دادن یک حامی بوده است که در هنگام سختی روی کمک و یاری او حساب می‌کرد. لذا شعر زنان شاعره منحصر به تصویر غم و اندوه نیست بلکه صفاتی را که در مردان ایجاد اعجاب می‌نموده است توصیف نموده‌اند. به عنوان مثال خنساء در رثای برادرش دو صفت شجاعت و کرم را منحصر برادر می‌داند و گویا این دو صفت منحصر شده است در او:

«أَعْيَنِيَّ جُودًا وَ لَا تَجْمُدَا أَلَا تَبْكِيَانِ لَصَخْرِ النَّدَى

أَلَا تَبْكِيَانِ الْجَرَىءَ الْجَمِيعَ أَلَا تَبْكِيَانِ الْفَتَى السَّيِّدَا

رَفِيعُ الْعَمَادِ ، طَوِيلُ النَّجَادِ سَادَ عَشِيرَتُهُ أَمْرَدَا (دیوان الخنساء، ۱۹۸۳ م، ص ۷۱)

(ای دو چشم من اشکهایتان را فرو ریزید و بخل نورزید آیا برای صخر که بخشنده و سخاوتمند بود گریه نمی‌کنید؟ آیا اشک را بر کسی که شجاع بود فرو نمی‌ریزید آیا به خاطر فقدان فرمانروای جوان گریه نمی‌کنید. او در میان قومش عزت و جایگاه بلندی داشت و بسیار شجاع بود در حالیکه سن کمی داشت). اگر صفت هدایت را نیز به این دو صفت بیفزائیم او چون ماه و بدر تمام، هدایتگر راه گم‌کردگان است:

«يَا بَدْرُ قَدْ كُنْتَ بَدْرًا يُسْتَضَاءُ بِهِ فَقَدْ مَضَى يَوْمَ مَتِّ الْمَجْدُ وَالْجَوْدُ» (همان، ص

۱۴۳)

«ای برادر! صخر، تو در شهرت و عزت مانند ماه درخشنده هدایتگر هستی و با فقدان تو عزت و بخشش نیز از بین رفته است.»

اما مردان در اظهار حزن و اندوه خویش به گونه ای متفاوت از زنان عمل می کردند؛ مانند اینکه عهد می کردند برای مدتی از تمام آنچه که متوفی از آن محروم گشته است خود را محروم سازند بنابراین بوی خوش استعمال نمی کردند و شراب نمی نوشیدند و بدن را شستشو نمی دادند ولی همان طوریکه قبلاً اشاره شد مطابق آداب و رسوم رایج آن دوران، زنان، تا یک سال به نوحه سرایی بر مردگان پرداخته، بی تابیها می نمودند سرهای خود را تراشیده با کفشهایشان بر صورت خود می زدند، لبید بن ربیع به هنگام مرگ خود خطاب به دخترانش می گوید:

«فَقُومَا فِقْوًا لَا بِالذِّی قَدْ عَلِمْتُمَا وَ لَا تَحْمَسَا وَجْهًا وَ لَا تَحْلُقَا شَعْرًا»

و قولاً : هُوَ الْمَرْءُ الذِّی لَا خَلِيلَهُ أَضَاعَ وَ لَا خَانَ الصَّدِیقَ وَ لَا عَدَرَ (دیوان لبید، ۱۹۹۶، ص ۱۲۶).

به پا خیزید و آنچه را در من شناختید بگوئید و چهره نخرائید و موی سر نترائید و بگوئید که او نه دوستان خویش را رها کرد و نه بدانها خیانت» زندگی مردان جاهلی بر قتل و خونریزی و تفاخر و شجاعت و قهرمانی و بی باکی بنا نهاده شده بود. «عمر و بن کلثوم» گریه بر مردگان را نمی پسندد و حتی یک سوم سرمایه خود را برای امرار معاش و بقیه را برای تهیه مرکب و پرداختن دیه قتل ها می داند.

مَعَادَ الْإِلَهِ أَنْ تَنُوحَ نَسَاؤُنَا عَلَى هَالِكٍ أَوْ أَنْ تَضِجَّ مِنَ الْقَتْلِ

قِرَاعُ السُّيُوفِ بِالسُّيُوفِ أَحَلَّنَا بَارِضَ بَرَاكِ ذِي أَرَاكِ وَ ذِي أَثَلِّ

فَمَا أَبَقَتِ الْإِيَّامُ مِلَّ الْهَمَالِ عِنْدَنَا سَوَى جِذْمِ أَذْ وَادٍ مُحَدِّفَةِ النَّسْلِ

ثَلَاثَةٌ أَثَلَّتْ فَأَثْمَانُ خَيْلِنَا وَ أَقْوَاتُنَا وَ مَا نَسَوَقُ إِلَى الْقَتْلِ

(۸۵)

(دیوان عمرو بن کلثوم، ص